



اجماع سیاسی در تونس و مسئله دموکراسی و قانون اساسی (۲۰۲۳-۲۰۱۵)

دکتر مظفر حسونند^۱

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

تحولات مدنی سال ۲۰۱۱، گسترده‌ترین حرکت مردمی برای انتقال جوامع عربی از وضعیت «در حال گذار» بوده است. برخلاف سایر کشورهای عربی، گروه‌های تونس، از طریق سیاست ائتلاف‌سازی، تلاش خود را برای تشکیل جبهه‌ی ملی و حاکمیت قانون به کار گرفته‌اند، ولی علی‌رغم دستاوردهای قابل اعتنا، چالش‌های بسیاری بخصوص در زمینه احتمال بازگشت اقتدارگرایی وجود دارد. در همین راستا، این پرسش ارزیابی شده است که، سیاست‌ها و رقابت‌ها بین جریان‌های سیاسی در تونس، بخصوص در زمینه اجماع‌ها/ائتلاف‌های سیاسی چه تأثیرات و نتایجی در زمینه مولفه‌های دموکراتیک، به ویژه قانون اساسی و جایگاه اپوزیسیون (از ۲۰۱۴ تا اگوست ۲۰۲۳) داشته است؟ فرضیه مطرح در پاسخ عبارتست از، وجود چالش‌های متعدد در گذار دموکراتیک و رقابت بین گروه‌های سیاسی مختلف بخصوص در ایجاد اجماع‌ها و ماهیت آن، منجر به مشکلات متعدد در زمینه‌هایی چون ائتلاف‌ها/اجماع‌ها و دموکراسی شکننده، عدول از قانون اساسی، تضعیف جایگاه اپوزیسیون و اقتدارگرایی‌های فراقانونی شده است. یافته‌ها نشانگر آنست که، وجود چالش‌ها در زمینه‌های انتقال دموکراتیک و -به تبع آن- عدول از قواعد حقوق و سیاست دموکراتیک و عدم عقلانیت نهادی، منجر به تضعیف فرایند اجماع‌سازی‌ها و قرائت نازل قانون اساسی و -در ذیل آن- تضعیف جایگاه اپوزیسیون شده است. همچنین، نگاه ابزاری به سازوکار «اجماع» در مصادیقی چون گزینش آن در مواقع انتخابات و عدم هرگونه اهتمام در تعدیل اختلافات و چالش‌های پیش‌رو منجر به «شکنندگی» اجماع‌ها/ائتلاف‌ها شده است. نهایتاً، شکنندگی

^۱ دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. نویسنده مسئول. ایمیل:

مذکور منجر به تعدیل مولفه‌های دموکراتیک، عدول از قانون اساسی -و موارد مرتبطی چون- گرایش به اقتدارگرایی‌های فراقانونی و طرد اپوزیسیون شده است.

کلید واژگان: تونس، دموکراسی، قانون اساسی، النهضه، ندا تونس، قیس سعید.

مقدمه

در شرایطی که تونس در زمان سقوط زین العابدین بن علی^۱ در ژانویه ۲۰۱۱، شاهد پیشرفت و رشد فزاینده جنبش سلفی-جهادی بود، تنها کشور عربی بود که از سال ۲۰۱۵ توانست دوره گذار دموکراتیک موفق را سپری کند. از زمان انقلاب ۲۰۱۱، تونس به الگویی برای دستیابی به اجماع بین نیروهای سکولار و اسلام‌گرا خود را معرفی کرد. در حالی که دیگر کشورهای بهار عربی وارد جنگ داخلی یا دیکتاتوری نظامی شدند، تونس گفتگو و همکاری را انتخاب کرد و در سال ۲۰۱۱ دولت ائتلافی سکولار-اسلامی را تشکیل داد و در سال ۲۰۱۴ قانون اساسی را تقریباً به اتفاق آرا تصویب کرد. حتی پس از تصویب قانون اساسی، تونس از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۱۹ توسط یک ائتلاف بزرگ اداره می‌شود که شامل احزاب اصلی سکولار و اسلام‌گرا است. با این وجود، اجماع‌های احزاب تونس پس از ۲۰۱۴، بیش از آن‌که به دنبال حل مشکلات بنیادین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تونس باشد، بر سه اصل تفسیر و قرائت حزبی قانون اساسی، تحدید اپوزیسیون‌ها و حفظ قدرت موجود متمرکز است و بدین دلیل اجماع‌ها و ائتلاف‌ها ماهیتی کوتاه‌مدت، بدون دستاوردی حقوقی و سیاسی و بدون اعتنای جدی به قانون اساسی، پیدا کرده‌اند. عدم اعتماد جدی احزاب به یکدیگر و فقدان توانمندی در ارائه الگوی کارتری در حکمرانی سیاسی، و در نتیجه ایجاد نوعی ثبات در پایگاه‌های اجتماعی همه‌ی احزاب و جریان‌ها، منجر به نوعی وفاق نانوشته در مورد دولت حاکم، بین

^۱ - Zine el-Abidine Ben Ali

همه جریان‌ها شده است و گو آن‌که، «اجماع» تنها مسیر پیش‌روی تونس برای اداره وضعیت موجود است.

نتیجه این مهم، منجر به اقتدارگرایی در تفسیر قانون اساسی به ویژه پس از دور دوم انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۹، به محاق رفتن حقوق اپوزیسیون‌ها و اقلیت‌ها و تسویه حساب‌های حزبی شده است. دولت‌های حاکم مانند دولت کنونی قیس سعید برای حل و فصل منازعات، نه توانایی اجرای دموکراتیک قانون اساسی را دارد و نه، می‌تواند همه‌ی جریان‌ها را راضی نگه دارد و از سوی جریان‌های دیگر به اقتدارگرایی و عدول از قانون اساسی متهم شده است. رفتار سیاسی و زیرکانه و البته مدبرانه، راشد/الغنوشی در عدم پذیرش جریان النهضه به عنوان «اپوزیسیون» در سال ۲۰۱۵، و محلق شدن به اجماع سکولارها و چپ‌ها، حاکی از وضعیت حقوقی «اپوزیسیون‌ها» در تونس دارد. تنزل قانون اساسی به مسائل حزبی و جناحی، چنان پیکره دموکراسی را شکننده و ضعیف کرده است که بسیاری از شهروندان تونس در سال ۲۰۱۸ (۴۶ درصد) آن را نظامی مناسب برای حکومت-داری می‌دانند، در حالی در سال ۲۰۱۳، این میزان (۷۰ درصد) بوده است.

پژوهش‌ها و جستارهای متعددی در ارتباط با مسائل کشور تونس به ویژه پس از تحولات ۲۰۱۱ نگاشته شده است. نتایج سلامه (۲۰۱۶) نشانگر آنست که، دموکراسی در جمهوری تونس در نتیجه انقلاب مردمی با رفتار سیاسی که مشخصه نیروهای سیاسی و احزاب بود، موفق شد. از طریق مشارکت و تکثر حزبی بین قدرت‌های مختلف تثبیت و نهادینه شد و از طریق آن گشایش‌ها در انتقال دموکراتیک که ویژگی‌های آن در تصویب قانون اساسی تونس و تأکید آن بر دولت مدنی، سرنگونی قانون انزوای سیاسی و انتقال مسالمت‌آمیز قوا است، ظاهر شد.

نتایج بن‌سالم^۱ (۲۰۱۸) نشانگر آنست که افزایش چشمگیر اعضای حزب از دهه‌ی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ است که منجر به افزایش جایگاه و ارتقای این حزب به ویژه در دوران پس از بن‌علی شده است. سیاست‌های استخدام و به کارگیری نیروها و بازیگران فعال [برخلاف جریان انصار الشریعه] نقش بسیاری در روند افزایش نیروی سیاسی این حزب، با هزینه‌های بسیار پایین داشته است. در این راستا، النهضه سیاست درهای باز (انفتاح) را در پیش گرفته است و معیارهای پیشین - دوران بن‌علی که ملاً عقیدتی و دینی بود- را حذف و کنار گذاشته است.

نتایج زواقی و کاواتورتا^۲ (۲۰۱۸) در واکاوی تحولات حزبی و نوع پیچیده مسائل و مشکلات درونی بین احزاب فاتح انقلاب یاسمین نشانگر آنست که مسیر دموکراتیک و مدنی تونس نیازمند درک تضاد درونی و طبقاتی و مهم‌تر از آن سیاسی است و اتحادهای بزرگ در بلندمدت از عوامل اصلی مشکلات داخلی در تونس و نقش قانون اساسی است.

یافته‌های تحقیق اخوان‌کاظمی و همکاران (۱۴۰۲) نشانگر آنست که النهضه مخالف هر نوع استبداد و اقتدارگرایی به دور از قانون اساسی است و در طول نیم قرن آن را ثابت کرده است. مخالفت آنها با دولت بن‌علی، سلفی‌های تندرو و جریان ۲۵ ژوئیه فقط به خاطر حفظ و کرامت قانون اساسی و منافع ملی تونس بوده است و آنها علیرغم توانمندی می‌توانستند با سلفی‌های تندور دستاوردهای انقلاب را به یغما ببرند و مانند دیگر جریان‌های غیراسلامی با قیس سعید همراه شوند.

نتایج گروال^۳ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که مصالحه‌های پس‌انقلابی در قانون اساسی، بیش از هر چیز نتیجه دهه‌ها فرایند اعتدالی جریان النهضه در طی سال‌ها تبعید در جوامع غربی و آموختن قواعد بازی سیاسی است. وی همچنین در پژوهش^۴ دیگر

¹ - Ben Salem

² - Zouaghi & Cavatorta

³ - Grewal

⁴ - Soldiers of Democracy? Military Legacies and the Arab Spring

(۲۰۲۳)، در ارزیابی میراث و نتایج بهار عربی به نقش غیردموکراتیک نیروهای نظامی در تأثیرگذاری بر روند دستاوردهای سیاسی و مدنی در کشورهایی چون مصر و تونس اشاره دارد.

پژوهش حاضر جزو پژوهش‌های جدید در حوزه اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی در غرب آسیا (خاومیانه و شمال آفریقا) است و در همین راستا، این پرسش از زوایای مختلف مورد بحث قرار گرفته است که پس از افول دولت بن‌علی، روند و کیفیات تحولات و رقابت بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی تونس با عنایت به اجماع‌ها / ائتلاف‌های بویژه در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ (آگوست)، چه نتایج و تأثیراتی بر مولفه‌های دموکراتیک، به ویژه قانون اساسی - و مسائل مرتبط با آن نظیر جایگاه اپوزیسیون - داشته است؟ نویسنده با تمرکز بر تحولات هشت سال اخیر این کشور و توجه به میراث و نتایج کنش‌ها و سیاست‌ها بر عناصر اساسی حقوقی و سیاسی، تلاش داشته است تا میزان و درجه نوآوری خود را داشته باشد. بعد مهم پژوهش پرداخت به مساله «قانون اساسی» به مثابه مهم‌ترین تجلی و جلوه‌گاه دستاورد انقلابی در بهار عربی / اسلامی است و تاکنون کمتر - تا آنجا که نویسنده بررسی کرده است - به شکل خاص و مستقل، مورد واکاوی قرار گرفته است.

۱- مبانی نظری

فرایند توسعه سیاسی و اقتصادی در جهان عرب، مساله‌ای پیچیده، چندوجهی و متأثر از عوامل و مولفه‌های مختلف است. بررسی، تحلیل و ارزیابی روند و فرایند توسعه سیاسی و اقتصادی در هر یک از کشورهای عربی از هم متمایز و منفک است. تقدس «دموکراسی» و سازوکارهای آن به ویژه احزاب و قواعد بازی دموکراتیک از ملزومات توسعه سیاسی است. ایجاد دموکراسی سازی موفق و حفظ هویت از طریق تمایزبخشی در اهداف، افزایش اشتراکات و دستور کار برای هر ائتلاف و حفظ ترجیحات [بدون آسیب به همکاری] است. (Grewal & Hamid, 2020:21). ایجاد دموکراسی رابطه‌ای دوگانه و دیالکتیک با قانون اساسی دارد.

همچنین، از منظر فلسفه سیاسی، تکوین قانون اساسی، ریشه در سکولاریزاسیون دارد و بسته به هر یک از جوامع متفاوت است.

تکوین تاریخ در قلمرو مسیحیت نیازمند تحولی در مبانی نظری الهیات بود که بر حسب معمول از آن به سکولاریزاسیون^۱ تعبیر می‌کنند. الهیات مسیحی، مکانی در بیرون ساحت «قدسانی» را به رسمیت نمی‌شناخت و همین امر موجب شد که در سده‌های میانه‌ی متأخر، مسیحیت با تجدیدنظری در مبانی فهم خود، نسبت میان دین و دنیا- یا شرع و عرف و عقل و ایمان- را مورد توجه قرار دهد. [در واقع این اصطلاح چیزی] جز بازاندیشی نسبت دین و دنیا، شناسایی اصالت و استقلال دنیا و قلمرو عرف نسبت به «دین» و ایجاد تعادلی میان این دو ساخت حیات نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳۲۱).

طباطبایی، به این نکته اشاره دارد که امکان سازگاری بین مفهوم سکولاریزاسیون مواد تاریخی اسلامی نیست و مقولات و دوره‌بندی‌های تاریخی، هم‌چون «سده-های میانه» و «نوزایش»، تنها با توجه این اصطلاح در درون مسیحیت قابل فهم و تعریف است و به ضرورت مضمون مواد تاریخی دوره‌ی اسلامی سازگار نیست. «نوزایش»، تولد دیگر نمودهای تمدن «جاهلی» و فرهنگ رومی بود که در الهیات مسیحی جایگاهی نمی‌توانست داشته باشد. بنابراین، کوششی اساسی لازم بود تا جایی برای قلمرو عرف با همه‌پی آمده‌های آن باز شود. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳۲۲).

در واقع، نمی‌توان گزاره‌ها و مفاهیم جامعه اسلامی را در درون مفردات و منحنی تاریخی غرب قرار داد و یا قیاسی مشابه براساس آن قائل شد. بر این اساس، هر

^۱ - طباطبایی بر این باور است که دلیل اینکه تاکنون در زبان فارسی معادل دقیقی برای اصطلاح (Secularization) پیدا نشده است، ناهمسانی‌هایی است که میان مبانی الهیات مسیحی و کلام اسلام وجود دارد و از این رو، انتقال مفاهیم بنیادین از حوزه‌ای به حوزه دیگر آسان نیست. این اصطلاح از واژه‌ی لاتینی saeculum به معنای دنیا در برابر آخرت می‌آید و منظور از آن تأکید بر «اصالت دنیا» در کنار اصالت آخرت است. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳۲۱).

ملتی باید بر مبنای مشخصه‌های تاریخی خود به بازپرداخت مسائل همت گمارد. با این وجود، مشکل اساسی در تفسیر سنت‌گراها و حتی برخی نوگرایان اسلامی این است که قانون اساسی را جزمی و سنت‌گرا تفسیر می‌کنند. در واقع، فاتحان و حاکمان عربی باید بدانند که قانون اساسی بیش از هر چیز سپری برای صیانت از اقلیت‌هاست، وگرنه حقوق اکثریت حتی در فقدان آن نیز حصول می‌یابد.

برنارد لوئیس بیان می‌دارد که اگر فرمانروا در برابر خدا مسئول است، چه کسی نماینده خداست؟ در دنیای اسلام، برخلاف مسیحیت، چیزی به نام نهاد کلیسایی وجود نداشت. بحث بزرگ مسیحیت بین کلیسا و دولت تا دوران نسبتاً مدرن [اواخر قرن نوزدهم] در تاریخ اسلام ماندنی نداشت و کلیسا و دولت یکی بوده‌اند. بودند بنیانگذار اسلام، حضرت محمد [ص]، بر خلاف پیشینیان خود موسی [ع] و عیسی [ع]، رئیس دولت [جامعه اسلامی] شد. او یک فرمانروا و یک مدیر بود، نه تنها قانون را ابلاغ کرد، بلکه آنرا اعمال و اجرا کرد. بنابراین هیچ نهاد کلیسایی وجود نداشت و به طور کلی، رجال قانون مقدس کم و بیش مطیع دولت بودند. [با این وجود در نگرش بسیاری از مسلمانان] دولت و داشتن هر گونه کاری با دولت تحقیرآمیز تلقی می‌شد. (Lewis, 2010: 137).

بنابراین، قانون اساسی از مفردات غربی است، که حتی اغلب تندروترین متفکران اسلامی نیز معتقد به وجود آن برای جامعه هستند. ولی نوع تفسیرها و اینکه بر چه اساسی و بر چه اهداف و غایات و نظام فلسفی و سیاسی باید تئوریزه شود، موضوعی مناقشه‌انگیز است. شاید به مذاق بسیاری از لیبرال‌ها، غرب‌گرایان رادیکال و دوستداران اندیشه‌های دموکراتیک غربی خوش نیاید، ولی اگر اسلام و مسیحیت را دو نظام مجزا با تحولات و سیر تاریخی مجزا و خلاف‌آمد بدانیم، اسلام‌گرایان رادیکال و میانه‌رو به درستی این حق را دارند که در جامعه‌ی اسلامی بر مبنای تاریخ ملی و دینی خود بر مبنای شریعت اقدام کنند.

مساله فرهنگ دینی در کشورهای اسلامی این است که با توجه به پیشرفت فلسفه‌ی مدرن، رویکرد فکری دین در قبال مقدسات تغییر نکرده است. این فرهنگ که مدت‌ها تحت تأثیر آموزه‌های اشعری بوده، چندین قرن به نسل‌های مختلف از دانش‌آموزان آموخته شده، هنوز هم در نظام‌های آموزشی تدریس می‌شود. میلیون‌ها جوان امروزی با آموزه‌های الهیات کلاسیک اسلامی که زمینه ظهور اسلام‌گرایی را پدید آوردند، آشنایی دارند. محمد عبده، احساس کمبود می‌کرد؛ زیرا چشم‌انداز *مارتین لوتر* را نداشت: هدف از زندگی بر روی زمین، خدمت به مقدسات نیست. ناکامی *النهضه* و عبده را می‌توان در ناتوانی ایشان در تبیین رابطه بین خدا و مومنان و بیرون راندن ریشه‌های متافیزیکی تصوف از فرهنگ دینی جستجو کرد. آنچه که فرهنگ اسلامی هنوز از نبود آن رنج می‌برد، یک فلسفه‌ی مدرن است. (ادی، ۱۳۹۹: ۱۸۵).. لذا، وجه مهم دموکراسی [به ویژه در جهان عرب] در زمینه‌های مذهبی است که بر مبنای آن، دموکراسی باید مشارکت بازیگران مذهبی در سیاست را بپذیرد و به نمایندگان اجازه دهد، برطبق دین نیروها را بسیج کنند و در بحث‌های سیاسی استدلال‌های دینی را ارائه دهند. همچنین، گروه‌های مذهبی باید دموکراسی را بپذیرند و اقداماتی که در آزادی سایر شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد یا دموکراسی و قانون را نقض کند، اجتناب کنند. (Stepan, 2000, p. 39-40).

حل مسائل و مشکلات ملی و فراجناحی در روند زیست سیاسی پسانقلابی، نیازمند اعتدال، تساهل، عقلایی بودن انتظارات، توجه به مقتضیات سیاسی و اجتماعی موجود و قواعد بازی دموکراتیک است. (Grewal, Hamid, 2018). عقلانی - سازی^۱ مفهومی فراگیرتر و روشن تر از «مدرنیته» است که ماکس وبر آن را به نحوی بسیار چشمگیر به مثابه جنبه‌ی اساسی عصر جدید شرح داده است. عقلایی سازی مبتنی بر چند مولفه است: حل مسائل و مشکلات ملی نیازمند اعتدال، تساهل، عقلایی بودن انتظارات، توجه به مقتضیات موجود و قواعد بازی دموکراتیک (Grewal, Hamid, 2018)، توجه به نقش اصلاح‌گرایان دینی مانند ولتر^۲ در انتقاد دینی [بازاندیشی در دین، نه حذف آن]. (Badir, 1974).

حصول اجماع و دولت ائتلافی سازوکاری درست برای پرهیز از خشونت و سهیم - سازی گروه‌هاست. نزدیکی نسبی تعداد حامیان هر جریان در ماهیت ائتلاف ضروری است. در جوامع در حال انتقالی که یک حزب یا دو حزب مسلط با پایگاه اجتماعی منسجم دارند، در روند اجماع‌های اولیه باید به شکل تدریجی، جریان‌های انتخابی مسلط به جای ائتلاف‌های سیاسی اجماعی قرار بگیرند. همچنین، صیانت از جریان‌ها و گروه‌های جدید و به خصوص اپوزیسیون‌ها، اصل حیاتی در اجماع است. نکته مهم در اجماع، سازوکار گردش جریانی/گروهی است و به تدریج احزاب و گروه‌های غیرمنتخب از قدرت کنار روند و در بلندمدت، ماهیت اجماع را مورد بازاندیشی قرار دهند. (Grewal, Hamid, 2018). در هنگام انقلاب‌ها و تغییرات سیستمی در جوامع، با آنکه ممکن است بین رهبران جریان‌ها در ابتدا و حتی میانه راه، وفاقی برای آینده باشد، ولی فشارها از سوی بدنه میانی جریان فکری و پایین چنان تقویت می‌شود که دعوا و نزاع کل فضای اجتماعی را پُر

1 - Rationalization

2 - Voltaire

می‌کند. رهبران هر جریان به توجیه حامیان و به مرور تأیید آن سوق می‌یابند و «حذف» دیگر بازیگران/ان به جای انتخاب دموکراتیک می‌نشینند. در این میانه، جریان فاتح به ترسیم و پیاده‌سازی جدید اجتماعی-سیاسی خواهد پرداخت و قانون اساسی و مجلس مهم‌ترین کانون اجرای منافع گروهی خواهد شد و «مای» ملی فدای «من» فروملی می‌شود. مراکز اصلی تغییر برای هر یک از جریان‌های فکری به دنبال تحول و اتخاذ نوع رفتار مقتضی در برابر سه قضیه اساسی خواهند بود: اسنادفراستی به خصوص قانون اساسی، مساله فلسطین و اسرائیل به عنوان رگه‌ای از مدرنیته در جهان اسلام (به تأسی از نولته، ۱۳۹۹: ۲۰۵) و نهایتاً، نوع رفتار و تعامل جهان اسلام و غرب.

روش تحقیق

پژوهش حاضر جزو پژوهش‌های نظری با ماهیتی اندیشه‌ای و جامعه‌شناختی است. از منظر روشی، رویکرد توصیفی-تحلیلی است و چارچوب نظری، مبتنی بر مولفه‌های اندیشگی و جامعه‌شناسی مرتبط با ادبیات توسعه سیاسی است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسناد، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی (مقالات، کتابها، گزارش‌ها و تحلیل‌های معتبر) است. با عنایت به ماهیت اندیشگی و جامعه‌شناختی پژوهش، تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر مفاهیم کلیدی آن‌ها (اجماع سیاسی، عقلایی-سازی، دموکراسی، انتخابات و غیر آن) می‌باشد. بهره‌گیری پیوندی اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی در مطالعات غرب آسیا، ضرورتی مهم و اساسی برای گریز از تئوری‌های تقلیل‌گرایانه روابط بین‌الملل (به ویژه در ادبیات پوزیتیویستی) است. در ادامه به بررسی پرسش اصلی پژوهش پرداخته شده است و با تمرکز بر بازه زمانی ۲۰۱۴ تا آگوست ۲۰۲۳، به بررسی و واکاوی مناسبات بین جریان‌ها و گفتمان‌های مختلف و روندهای ایفای نقش در بستر سیاسی کشور تونس (که عمدتاً مبتنی بر اجماع‌ها و ائتلاف‌های مختلف بوده است) پرداخته شده است، تا در پرتو آن جایگاه قانون اساسی و اپوزیسیون مورد ارزیابی قرار گیرد. در این

راستا، در کنار توجه به سطوح پیوندی مباحث و مطالب آمده، یافته‌ها در ذیل دو محور بررسی شده‌اند: قانون اساسی در کشاکش اجماع‌ها و نتایج عملی آن؛ یعنی اقتدارگرایی جریان ۲۵ ژوئیه پس از انتخابات ۲۰۱۹ (که با برخی تسامحات، به نوعی عدول از قانون اساسی و بازگشت به سنت پیش از تحولات ۲۰۱۱ است)

قانون اساسی در کشاکش اجماع‌ها

در شرایطی که «اجماع» و «توافق» بر سر راه انتخاب مسیر دموکراتیک، دستاورد مهم انقلاب ۲۰۱۱ بود، ولی تحت عدول از قواعد بازی دموکراتیک و قرائت نازل از قانون اساسی، میزان اقبال و حمایت اجتماعی از احزاب مطرح کاسته شد. انتخاب قیس سعید به عنوان فردی مستقل، در حقیقت، پاسخی صریح و بزرگ به جریان‌های موجود بود. با آشکار شدن ضعف‌های جامعه در حال گذار تونس در مسیر توسعه سیاسی، دیگر «دموکراسی» سازوکاری مطلوب برای انتخاب‌کنندگان نبود؛ چرا که اعتقاد عمومی به حاکمان در مسیر پاسداشت قانون اساسی، قواعد بازی و حقوق اپوزیسیون‌ها و فراتر از آن حقوق شهروندان، تضعیف شده بود. بدین دلیل، شکست اقبال عمومی و محبوبیت احزاب مطرح در سال ۲۰۱۹، در قیاس با ۲۰۱۴، پاسخی در این راستا است. در جدول و نمودار زیر شکست تشکیلات حزبی احزاب تونسی و نوع نگرش شهروندان تونس به شکل‌های مطلوب حکومتی دیده می‌شود:

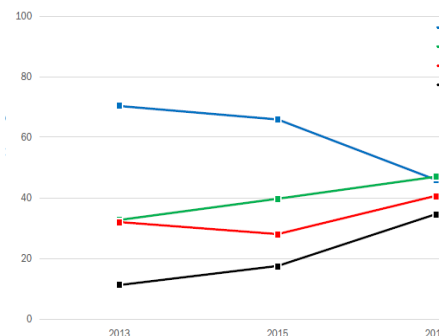
جدول شماره ۱: شکست تشکیلات حزبی تونس در انتخابات ۲۰۱۹ در قیاس با ۲۰۱۴

کرسی های پارلمانی			
نتایج انتخابات ۲۰۱۹	آستانه انتخابات	نتایج انتخابات ۲۰۱۴	احزاب
۳	۲۵	۸۶	ندا تونس
۵۲	۶۸	۶۹	النهضة
۰	۰	۱۶	اتحادیه میهنی آزاد (UPL)
۲	۸	۸	افک تونس
۱۴	۴۳	-	تهیا تونس
۴	۱۵	-	مشروع تونس
۱	۹	۱۵	جبهه مردمی
۰	۴	۴	کنگره برای جمهوری (CPR)

Source: Grewal & Hamid, 2020:14

چنانچه در نمودار زیر دیده می‌شود، حتی برای بسیاری از شهروندان تونسی بازگشت به دوران بن علی یا حکومت تک حزبی فاصله چندانی با دموکراسی ندارد. پس از کودتای نظامی در مصر و سرنگونی دولت تحت رهبری اسلام‌گرایان در ژوئیه ۲۰۱۳، مخالفان تونس تظاهرات گسترده‌ای برای تکرار «سناریوی مصر» ترتیب دادند. (Amara & Solomon, 2013). الگوی «تمرد»^۱ تونس، از جنبش تمرد (شورش)^۲ مصر که در سرنگونی محمد مرسی، نقش داشت، گرفته شد. «جبهه نجات» تونس^۳ با الهام از جبهه نجات ملی مصر^۴، کمپینی را برای برکناری مقامات محلی و ملی منصوب شده توسط النهضة اعلام کرد.

نمودار شماره ۱: نگرش شهروندان تونسی به شکل‌های حکومتی



Source: Grewal & Hamid, 2020:14

جمهوری دوم تونس در سال ۲۰۱۵، پس از اعلام قانون اساسی (۲۷ ژانویه ۲۰۱۴)، افتتاح مجلس جدید نمایندگان مردم (۴ دسامبر) و تفویض رئیس جمهور الباجی قائد السبسی^۵ (۳۱ دسامبر) و نخست وزیر حبیب السید^۶ و دولتش (۵ فوریه ۲۰۱۵)، شکل گرفت. (Ounaies, 2015: 36). در [روند تشکیل اجماع‌ها] اکثر احزاب با میانجیگری چهار سازمان جامعه مدنی جهت گفتگوی ملی موافقت کردند. توافق حاصل شده منجر به یک قانون اساسی مترقی و جدید شد که تقریباً به اتفاق آرا در ژانویه ۲۰۱۴ تصویب شد و متعاقباً یک دولت تکنوکرات تشکیل شد. وقتی نوبت به قانون انتخاباتی برای تصویب انتخابات ۲۰۱۴ رسید، النهضه، بزرگ‌ترین مصالحه‌ی خود را در ایجاد اجماع به انجام رساند. «قانون محرومیت» پیشنهادی - که هزاران تونسی مرتبط با رژیم بن علی را [از هرگونه فعالیت سیاسی] ممنوع می‌کرد - تنها با یک رای به تصویب نرسید. (Human Rights Watch, 2013).

¹ - Tamarrod

² - Rebellion

³ - Tunisia's Salvation Front

⁴ - Egypt's National Salvation Front

⁵ - Beji Caid Essebsi

⁶ - Habib Essid

انقلاب ۲۰۱۱، بسیاری از سازوکارها و قواعد دموکراتیک مانند تغییر ساخت سیاسی و سیستم حکمرانی، برگزاری چندین دوره انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری و تغییر قانون اساسی، را در سپهر سیاسی تونس حاکم کرد. اما تحت پاره‌ای مشکلات و مسائل هنوز اجماع‌ها و توافق‌ها بخصوص در سطح رسمی و قانونی و نیز سیاسی در برخی موضوعات (عمدتاً مرتبط با قدرت سیاسی) شکل نگرفته است. نیاز به فرصت و گذار زمانی تدریجی بیشتر و تمرین و کسب تجربه اغلب بازیگران عمده و تعیین‌کننده، در کنار مسائلی چون ترس از برهم خوردن توازن بین گروه‌ها و نظام‌های فکری و سیاسی مختلف و بر جای ماندن سطح نازلی از بارقه‌های کنش غیردموکراتیک از سوی برخی از گروه‌ها، منجر به عدم توافق و اجماع کلان در مورد همه‌ی مسائل با تأکید بر سیاست و حکومت شد. در همین راستا، بازیگران و کنشگران نتوانسته‌اند به اختلافات قانونی بین خود پایان دهند و دادگاهی برای حل و فصل و قضاوت در این زمینه پدید آورند.

[پس از انقلاب، نوع] بسیج [سیاسی و اجتماعی] و فعالیت سلفی‌ها نشانگر گرایش‌های ایدئولوژیک بود. در طول کار مجلس منتخب برای پیش‌نویس قانون اساسی جدید، سلفی‌ها دستور کار خود را برای تونس پسا انقلابی [براساس یک گزاره اصلی] پیش بردند: بازتعریف تونسی-یا هویت ملی- با دارا بودن نقشی مهم برای اسلام. (Merone 2014). از منظر سلفی‌ها، قانون می‌بایستی براساس شریعت یا کتاب آسمان شکل بگیرد و اعتقاد داشتند: «ما قرآن و سنت [پیامبر خاتم و خلفای راشدین] را داریم که جایگزینی به ما می‌دهد: با دین خود می‌توانیم بر جهان مسلط شویم، درست مانند گذشته. (Merone 2013). «گذشته» و مساله قانون، از منظر سلفی‌های، چیزی جز بازگشت به دوران صدر اسلام نبود. همانند برخی دیگر از جریانات، اسلام‌گراهای سلفی انقلابی تونس در تفسیر خود از قانون اساسی دموکراتیک نبوده و جز «شریعت» در وجه سنتی-با اندکی تعدیلات در جزئیات-

منبعی برای قانون اساسی در نظر نمی‌گرفتند. آن‌ها در حالی به دنبال گریز از غرب بودند که حاضر نبودند از خود این پرسش را بپرسند که آیا قانون اساسی (در شکل حاضر) دستاوردی غیر غربی است، یا نه!

مرحله پیش‌نویس قانون اساسی دوره تحول در خلال سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ با تضاد سیاسی عمیق بین اسلام‌گرایان و سکولارها آشکار شد. حزب اسلام‌گرای النهضه در اولین انتخابات دموکراتیک کشور پیروز شد، ولی در خلال پیامدهای ترور دو شخصیت سیاسی سکولار، شاخص این تضاد به اوج خود رسید و دوره تحول با آشفتگی مواجه شد. معنای ضمنی تنش‌های سیاسی روشن بود: یا سازش کنید یا خطر هرج و مرج را بپذیرید. (Yerkes & Ben Yahmed, 2019:2). ائتلاف اسلام‌گرا-سکولار [۲۰۱۱] به زودی به دلیل بحث بر سر قانون اساسی جدید و تهدیدهای امنیتی فزاینده به چالش کشیده شد. گروه سلفی انصار الشریعه حملات خود را در اواخر سال ۲۰۱۲ تشدید کرد و سفارت ایالات متحده را در سپتامبر و پایگاه‌های نظامی تونس را در دسامبر هدف قرار داد. متعاقباً به دو ترور سیاستمداران سکولار در فوریه (شکری بلعید)^۱ و ژوئیه ۲۰۱۳ (محمد براهمی)^۲ متهم شدند. از آنجایی که النهضه در ابتدا به دنبال تعامل با انصار الشریعه برای وارد کردن آن به فرآیند سیاسی به جای متهم کردن آن بود، و لذا، احزاب سیاسی تونس بین دوقطبی سکولار و اسلام‌گرا تمایز قائل شدند. (Grewal & Hamid, 2020:5).

1 - Chokri Belaid

2 - Mohamed Brahmi

[در سال ۲۰۱۴] از طریق اجرای طرح سازش همگانی و خویشن‌داری، کشور قانون اساسی جدیدی را پذیرفت و دولت حاکم با یک کابینه تکنوکرات و با موفقیت مرحله دوم دموکراسی ملی را برگزار کرد. بازیگر اساسی در این تلاش گروه چهارگانه گفتگوی ملی بود. گروهی از فعالان حقوق بشر، رهبران اتحادیه‌های کارگری و وکلا به بازیگران سیاسی متخاصم کمک کردند تا به وفاق برسند و مدتی بعد برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۱۵ شدند. (Yerkes & Ben, 2019:2). جمهوری دوم (۲۰۱۵)، آغاز دوره‌ای بود که با گسست النهضه از انصارالشریعه در معرض تهدید وجودی قرار داشت. از طرفی، ائتلاف آن با دیگر احزاب تنها سازوکاری بود که می‌توانست بقای آن را تضمین کند. پس از ۲۰۱۴، اغلب ائتلاف‌ها بیشتر به «اتحاد نامتحدان» شبیه بود تا اجماع واقعی؛ چرا که از یک‌سو، بین اسلام‌گراها تنش به اوج خود رسید و از طرفی، اجماع بین النهضه و جریان سکولار بیش از آن‌که ماهیتی دموکراتیک داشته باشد، تلاشی برای بقا در قدرت سیاسی بود. لذا، اشتراکی در اهداف بنیادین و قرائت آن در قانون اساسی شکل نگرفت و حتی آن‌ها نتوانستند در هنگامه‌ی تنش‌ها از یکدیگر نیز دفاع کنند. شکست دولت ائتلافی یا اجماع و ناامیدی و ناخرسندی از احزاب سیاسی موجود، در انتخابات ۲۰۱۹ به منصف ظهور رسید و منجر به نتایج ویران‌کننده‌ای برای همه احزاب درگیر در دوره‌ی ائتلاف/اجماع شد. هر یک از متحدان ائتلاف سکولار کاملاً شکست خوردند. ندا تونس که در سال ۲۰۱۴ توانسته بود، ۸۶ کرسی [پارلمان] را به دست آورد، [در انتخابات ۲۰۱۹] ۲۵ کرسی آن تنزل یافت، و در انتخابات ۲۰۱۹ تنها ۳ کرسی را به دست آورد. سایر فراکسیون‌های ندا تونس، تهبیا تونس و مشروع تونس نیز جمعاً ۶۷ را کسب کردند و به ترتیب از ۴۳ به ۱۴ و از

۱۵ به ۴ کرسی سقوط کردند. شرکای کوچک ائتلاف نیز وضعیت بهتری نداشتند، اتحادیه آزاد میهنی از ۱۶ به ۰، و افک تونس از ۸ به ۲/۶۸ کرسی کاهش یافت. دو حزب بزرگ اپوزیسیون پارلمان ۲۰۱۴-۲۰۱۹، که در مواجهه با حکومت ائتلافی ناتوان بودند، نیز عملکرد ضعیفی داشتند، به طوری که جبهه مردمی از ۱۵ به ۱ کاهش یافت و [کنگره برای جمهوری]^۱ CPR از ۴ به ۰ کاهش یافت. (Grewal & Hamid, 2020:14). پارلمان ۲۰۱۹ از برقراری کامل نهادهایی مثل دادگاه قانون اساسی که در قانون اساسی آمده است، ناتوان بوده است و از طرفی، معرفی اعضای آن مدت‌های مدید به تأخیر افتاده است که نشان دهنده دو قطبی جاری در سیستم سیاسی است. در حالی که تمام سیاستمداران موافقت‌کننده این نهادها برای کارکرد صحیح دموکراسی در تونس ضروری است، فعالیت‌ها به شدت سیاسی شده و مجلس در بن بست قرار گرفته است. به‌عنوان مثال ۷ ماه طول کشید تا مجلس رئیس جدید کمیسیون عالی انتخابات^۲، نایل بافون^۳ را در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۹ انتخاب کند. با وجود این‌که، تنها ۷ ماه باقی مانده تا انتخابات مجلس و ریاست جمهوری که به ترتیب برای ۶ اکتبر و ۱۲ نوامبر [۲۰۱۹] برنامه ریزی شده است، کمیسیون عالی انتخابات زمان کمی را برای جلب نظر عمومی در مورد ثبت نام رأی‌دهندگان، ثبت میلیون‌ها رأی دهنده جدید و آماده سازی سازمانی برای انتخابات دارد. (Yerkes & Ben Yahmed, 2019:4).

۲-۳- عدول از قانون اساسی و اقتدارگرایی جریان ۲۵ ژوئیه^۴

انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۹ در ۱۷ و ۲۴ نوامبر بعد از فقدان السبسی در ۲۵ ژوئیه -برای تعیین رئیس جمهور جدید- برگزار شد. در شرایطی که نامزدهای

^۱ - Congress for the Republic

^۲ -Independent High Electoral Commission (ISIE)

^۳ - Nabil Baffoun,

^۴ ۲۵- ژوئیه، روز جمهوری و روزی است که قیس سعید با اعلام تدابیر فوق‌العاده، دولت را منحل کرد و فعالیت پارلمان را به حالت تعلیق درآورد؛ از آن روز همه ساله مخالفان دولت با برگزاری تظاهرات خواستار بازگشت دموکراسی می‌شوند.

مطرحی در انتخابات حضور داشتند، قیس سعید و نبیل قروی توانستند به دور دوم برسند و نهایتاً سعید ۷۲/۷ درصد آرا فاتح انتخابات شد. در این انتخابات احزابی مختلفی حضور داشتند که عبارتند از: جریان دموکراتیک تونس (محمد عبو)، حزب بنی وطنی (سعید عیدی)، تونس به پیش (عبید بریکی)، زنده باد تونس (یوسف شاهد)، العمل (سلما الومی)، انجمن دموکراتیک کار و آزادی (الیس فخنخ)، جبهه مردمی (حما حمامی)، حزب عشاق (محمد هاشمی حامدی)، آلترناتیو تونس (مهدی جمعه)، ائتلاف کرامت (سیف‌الدین مخلوف)، جنبش مشروع تونس (محسن مرزوق)، الاراده (منصف المرزوقی)، النهضه (عبدالفتاح مورو)، نهضت دستوریه (عبیر موسی)، اتحاد جمهوریخواهان (لطیف مریهی)، جبهه مردمی تونس (مونکی راووی)، اتحاد ملی جدید (سلیم ریاحی)، حامی جنبش مردمی تونس (صفی سعید)، احزاب مستقل (با نمایندگان چون حاتم بوالایار، نجی جلول، حامدی جبلیل، عمر منصور، محمد نوری، عبدالکریم زبیدی)^۱. البته در این انتخابات منیر بعتور رهبر حزب لیبرال رد شد و سمیع عبو، عضو مجمع نماینده جریان دموکراتیک از نامزدی در انتخابات خودداری کرد. **Tunis Afrique Presse**

,11,12,13 September 2019.

دور اول انتخابات در ۱۷ دسامبر در حال برگزار شد که بسیاری از احزاب مخالف مانند حزب النهضه - اکثریت کرسی‌های پارلمان قبلی را قبل از تعلیق - مخالف برگزاری بودند. انتخابات در سایه تحریم از سوی مردم و احزاب به ویژه جبهه رهایی ملی به رهبری احمد نجیب الشابی (شامل جنبش النهضه، جنبش امل، جنبش اراده تونس، ائتلاف کرامت، قلب تونس، جنبش شهروندان ضد کودتا، ابتکار دموکراتیک و چند حزب دیگر) برگزار شد و آن‌ها در پی مشارکت پائین مردمی در دور اول انتخابات، خواهان کناره‌گیری سعید از قدرت شدند.

^۱ - پیشتر از اعضای ندای تونس بوده که در انتخابات مستقل آمد.

در این انتخابات، حزب النهضه با کسب ۵۲ کرسی از مجموع ۲۱۷ کرسی در جایگاه نخست ایستاد و حزب «قلب تونس» به رهبری نبیل القروی با کسب ۳۸ کرسی مانند انتخابات ریاست جمهوری - البته در مقابل قیس سعید مستقل - جایگاه دوم را کسب کرد. احزاب بعدی به ترتیب عبارتند از: حزب جریان دموکراتیک با ۲۲ کرسی به رهبری محمد عبو نال، ائتلاف محافظه کار کرامت با ۱۲ کرسی، حزب مشروطه آزاد با ۱۷ کرسی، جنبش ملی مردم با ۱۶ کرسی، زنده باد تونس یا (تحیا تونس) به رهبری یوسف الشاهد - نخست وزیر - ۱۴ کرسی، مشروع تونس با ۴ کرسی، هر یک از احزاب اتحاد شعبی و حزب البدیل با ۳ کرسی، لیست‌های مستقل ۲۶ کرسی و در بین ناباوری، حزب پیروز انتخابات ۲۰۱۴؛ یعنی ندا تونس، فقط ۱ کرسی را کسب کردند. (مرصد المجلس التونسيه، ۱ سپتامبر ۲۰۲۳).

جبهه النهضه و جریانات همسو با اجماع‌های حزب الغنوشی، توانستند در دور اول انتخابات پارلمانی، مجلس را به دست بگیرند. با این وجود، جریانات پیروز - شامل جریان النهضه و ندا تونس - تا قبل از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۹، دشمنی و اختلاف نظر جدی با جریان ۲۵ ژوئیه قیس سعید نداشتند. قیس سعید با اعلام تدابیر فوق العاده، دولت را منحل کرد و فعالیت پارلمان برآمده از انتخابات دور اول ۲۰۱۹ را به حالت تعلیق درآورد و خواستار برگزاری انتخابات دور بعدی شد. در ادامه نیز دولت سعید، اغلب صداهای منتقد را سرکوب کرد و عملاً به نام قانون اساسی، اقتدارگرایی را در کشور حاکم کرد و تأثیرات آن تاکنون نیز بر جای مانده است. دور دوم انتخابات پارلمانی ۲۰۱۹ در حالی برگزار شد که برخی آن را «کودتا علیه قانون اساسی» و برخی آن را «اصلاح جریان انقلاب ۲۰۱۱» تعبیر کرده‌اند. (خبرگزاری تسنیم، ۳۰ آذر ۱۴۰۱). قیس سعید، در ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱ اقدامات فوق‌العاده‌ای را اتخاذ کرد که از جمله آن انحلال شورای قضایی و پارلمان و تدوین قانون اساسی جدید بود. این اقدامات با انتقادات زیادی از سوی طرف‌های داخلی

و خارجی مواجه شد. تونسی‌ها اقدامات قیس سعید را «کودتا» می‌دانند. محمد التلیلی المنصری، سخنگوی شورای عالی مستقل انتخابات در تونس به شبکه خبری الجزیره گفته که این شورا امیدوار بود ناظران بین‌المللی بر برگزاری این انتخابات نظارت کنند. وی خاطر نشان کرده که تصمیم اتحادیه اروپا برای عدم ارسال ناظر، تأثیری در استراتژی این شورا مبنی بر استفاده از ناظران بین‌المللی طبق شروط قانونی ندارد. (شبکه العالم ب، ۱۷ دسامبر ۲۰۲۲).

منذر ثابت، نویسنده سیاسی تونسی معتقد است، روند انتخابات دور دوم ۲۰۱۹ نشان داد که مسیر «۲۵ جولای» به پایان خود رسیده و دیگر قادر به تشکیل اکثریت واضح و شفاف در عرصه سیاسی و اجتماعی نیست. وی با اشاره به اینکه در انتخابات ۲۰۱۹ که قیس سعید در آن پیروز شد، بیانگر وضعیت از هم پاشیدگی اکثریتی بود، گفت: «به همان اندازه که این انتخابات بیانگر شکاف در عرصه سیاسی تونس بود، نشان‌دهنده توافق آن بر لزوم اتخاذ رویکردی متفاوت از ۲۵ ژوئیه، مبتنی بر گفتگو و توافق بر سر حداقل موضوعات مشترک بود». منذر ثابت بر این باور است، امکان چنین انتقالی در تونس وجود ندارد و مرحله جدید بهای سنگینی برای کشور خواهد داشت، چون نیازمند شرایطی است که هم اکنون در تونس فراهم نیست. معارضان تونسی مطالبه مشروعی دارند، اما قابل پیاده‌سازی نیست، چون سعید همچنان در قدرت است و با ابزارهای مختلف خود را تا سال ۲۰۲۷ در قدرت حفظ خواهد کرد. (خبرگزاری تسنیم، ۳۰ آذر ۱۴۰۱).

یوسف بوزاکر، رئیس پیشین شورای عالی قضایی تونس توسط قیس سعید عزل شد. این شورا از زمان جنبش مردمی تونس در سال ۲۰۱۱ به عنوان ضامن اصلی استقلال قوه قضائیه عمل کرده بود و تغییرات اعمال شده از سوی رئیس جمهور باعث شد که وی به مداخله در روند قضایی متهم شود. (العربیة بی‌بی‌سی، ۲۰۲۲)، (العربیة یورونیوز، ۲۰۲۲). سعید، ظاهراً برای نمایش پاسخگویی و اقتدار دولت در

مقابل قانون‌گریزی‌ها، فسادهای مالی و عدول برخی قضات از اصول گنجانده شده در قانون اساسی و دخالت دادن نظرات شخصی به خصوص در ارتباط با برخی رهبران مطرح، متحدان حزبی و فراتر از آن حمایت از تروریست‌ها، به دنبال تثبیت نقش قوه قضائیه و تطهیر آن از عناصر غیر قانونی مانند ۵۷ تن از قضات متهم - نظیر یوسف بوزاکر^۱ و بشیراکرمی^۲ و همچنین صدور حکم قضایی برای غنوشی در می ۲۰۲۲ - به فساد مالی و عزل آن‌ها، برآمد. (العربیة یورونیوز، ۲۰۲۲). قیس سعید، در این باره گفت: به قوه قضائیه فرصت پشت فرصت و هشدار پشت هشدار برای پاکسازی خود داده بود.

در حالی که، النهضه بزرگترین حزب در پارلمان تونس بود، رئیس جمهور قیس سعید، مجلس را در جولای ۲۰۲۱ منحل کرد. [پس از سخنان و اظهارات غنوشی]، دفاتر حزب اپوزیسیون النهضه را پس از دستگیری رهبر این حزب بسته شد. یک مقام ارشد حزب تونس گفت که مقامات تونس دفاتر حزب مخالف النهضه با الهام از اسلام‌گرایان را یک روز پس از دستگیری رهبر این حزب، راشد غنوشی، بستند. پلیس همچنین دفاتر دیگر حزب را در سایر نقاط کشور بست و هرگونه ملاقات در این محل را ممنوع کرد. این اقدام پس از آن صورت گرفت که غنوشی، رهبر کهنه‌کار النهضه، در خانه خود در پایتخت تونس، در آخرین مورد از سوی یک سری از چهره‌های مخالف بازداشت شد. (France 24, 17 Apr 2023). به دنبال اصرار قیس سعید مبنی بر انحلال پارلمان، الغنوشی وی را متهم به عدول از قانون اساسی و استبداد روشی کرد. این نخستین بار در تاریخ سیاسی النهضه بود که الغنوشی برای حفظ ایده‌های دموکراتیک، انتقادات صریح را علیه دولت مطرح می‌کرد. سعید، در اول آگوست ۲۰۲۳، نخستین نخست‌وزیر زن تاریخ سیاسی این کشور را برکنار و «احمد الحشانی»^۳ را به عنوان نخست‌وزیر جدید کشور معرفی کرد.

^۱ - ریاست پیشین شورای عالی قضایی کشور

^۲ - به اتهام ارتباط با جریان النهضه و دخالت دادن آن در پرونده‌های قضایی مرتبط با این حزب.

^۳ - Ahmed Hachani

قیس سعید، به نخست‌وزیری «نجلاء بودن»^۱ در کشور پایان داد و «حمد الحشانی» را به عنوان نخست‌وزیر جدید تونس تعیین کرد. (شبکه العالم، ۲ آگوست ۲۰۲۳).
 نجلاء بودن از سوی منتقدان به عنوان «سایه رئیس جمهور» در عمل به عنوان فردی با قدرت اندک معروف بود. با این حال، برکناری «بودن» در بحبوحه نارضایتی فزاینده در تونس در مورد کمبود مواد غذایی، افزایش قیمت‌ها و صف‌های مکرر نان صورت می‌گیرد که سعید به طور فزاینده‌ای مقامات دولتی را مقصر آن می‌داند.
 الحشانی که چهره‌ای نسبتاً ناشناخته است و در بانک مرکزی تونس در رشته حقوق دانشگاه تونس (همان محل تدریس سعید) فعالیت داشت. سعید در ماه‌های اخیر بدون ذکر دلیل دستور برکناری وزرای مختلف از جمله عثمان جرنندی^۲ وزیر امور خارجه سابق را صادر کرده است. در این بحبوحه سرکوب چهره‌های مخالف، تاجر برجسته و روزنامه‌نگاران نیز صادر شده است. در واقع، از ماه فوریه تاکنون بیش از ۲۰ نفر از جمله راشد غنوشی، رهبر حزب النهضه دستگیر شده‌اند.
 (Allafrica, 2 Aug 2023).

ظاهر و ماهیت اقدامات سعید به گونه‌ای است که استدلال اسلام‌گرایان مبنی بر گرایش نظری وی به اماراتی‌ها و سعودی‌ها و حذف اسلام‌گرایی از صحنه سیاسی تونس، چندان به دور از واقعیت نیست. افزایش بحران داخلی و شکنندگی در ائتلاف‌ها و اجماع‌های صورت گرفته پس از ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱، منجر به مصمم‌تر شدن سعید برای اقدامات گسترده‌تر در تعلیق پارلمان، برکناری نخست‌وزیر و زعامت مطلق وی در همه‌ی امور کشور شد. بدین ترتیب، بزرگترین بحران سیاسی تونس که فراتر از تقابل‌های سکولارها و رادیکالیسم‌های انصار الشریعه، ترور رهبران سکولار و کشاکش‌های ندای تونس و النهضه بود، شکل گرفت. استدلال سعید در این‌باره و اقدام بعدی وی عمیق مساله را نشان می‌دهد. چرا که توجیه

¹ - Najla Bouden

² - Othman Jerandi

عدم حل مشکلات اقتصادی و ناکامی در مهار و کنترل اپیدمی کرونا، شاید دلیلی برای عزل نخست وزیر باشد، ولی منطقی در تصاحب اختیارات وی نخواهد بود. (الجزیره، ۲۰۲۲) و (العربیه یورونیوز، ۲۰۲۳).

به طور کلی باید گفت، انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی سال ۲۰۱۹ تونس مرحله‌ای بزرگ در مسیر کشور به سمت [حکومتی] لیبرال دموکراسی متحد بوده است، ولی انتخاباتی که صرفاً برای بودن انتخابات برگزار می‌گردد، نمی‌تواند دولتی ایجاد کند که به چالش‌های ضروری مثل بیکاری جوانان، اختلافات اقتصادی اجتماعی منطقه‌ای و فساد رایج رسیدگی کند. ایجاد تغییرات سیاسی و اقتصادی مورد نیاز محتاج این است که تونس‌ها به فرای رکود و ناپایداری که از پیشرفت جلوگیری می‌کند، حرکت کنند. از سال ۲۰۱۱ تونس شاهد ۱۰ تغییر بزرگ دولت بوده است و میزان اعتماد عمومی به احزاب و نهادهای سیاسی کاهش یافته است. برعکس نمودن این جریان نیاز به تغییر از مدل وفاق ملی که کشور آن در خلال سال‌های اولیه تحول پذیرفته است به سیستمی که اپوزیسیون واقعی ایجاد کند و بتواند به‌عنوان بررسی کننده عملکرد دولتمردان فعالیت کند، دارد. (Yerkes & Ben Yahmed, 2019:1). نهایتاً باید گفت، انتظارات عمومی دولت سعید را به سمت تثبیت ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از طریق سازوکار اقتدارگرایانه کشاند. در این راستا، مقابله با هرگونه دخالت و مداخله فزاینده را در دستورکار قرار داد و وعده انتخاباتی خود؛ یعنی مقابله با زیاده‌خواهی و برکناری مسئولین از طریق قانونی را اجرا کرد و بسیاری از رهبران النهضه را به سبب بی‌توجهی‌های مکرر به دولت و مخدوش کردن چهره‌ی عمومی آن، کنترل، زندانی و یا تحت نظر قرار داد. در حقیقت، دوران زمامداری قیس سعید را باید به دو دوره‌ی مجزای سعید متقدم و متأخر تقسیم کرد. در دوره‌ی متأخر دیگر نشان چندانی از قداست قانونی و اعتقاد نهادینه شده به قواعد و سازوکارهای دموکراتیک وجود ندارد. در دوره‌ی دوم، اقدام سعید - گذشته از موارد پیشین - در ارتباط با تفویض کمیسیون مستقل

انتخابات و معرفی قانون اساسی جدید، به گونه‌ای بود که حتی نزدیک‌ترین جریان‌ات سکولار و غیر اسلامی نیز آن را نپذیرفتند. سعید در واقع، خود را تجلی قانون اساسی دانسته و با دخالت صریح در نقش نمایندگان پارلمان، روح قانون اساسی را خدشه‌دار و خشم عمومی را تشدید کرده است.



در واقع باید گفت، دولت قیس سعید و احزاب سه گانه ائتلاف حاکم از فردای پس از انقلاب، مجالی به هیچ جریانی برای ورود به رقابت سیاسی نداده‌اند. در شرایطی که برخلاف دیگر جوامع دو حزبی و یا سه حزبی و نیز ائتلافی، مطالبات مردم تونس فقط در سه جریان حاکم خلاصه نمی‌شود و هنوز بسیاری‌ها مانند سلفی‌های جهادی/انقلابی و نیز برخی از غرب‌گرایان رادیکال، نماینده‌ای ندارند. از سوی دیگر، چالش اساسی در مشروعیت‌زدایی «اجماع» حکومت وحدت ملی در دو موضوع نهفته است. نخست، عدم بازنگری در برخورد با مخالفان و حتی برخی از منتقدان و استمرار روند امنیتی و اطلاعاتی پیشین. دوم، تلاش احزاب مسلط برای حفظ وضع موجود، علیرغم تضعیف عدالت اجتماعی و اقتصادی و وخیم شدن آن پس از ۲۰۱۱. در نتیجه، این‌گونه به نظر می‌رسد که سبب وجود دستاوردهای پیشگامانه‌ی تونس در مسیر آزادی و دموکراسی - اجماع بیش از آنکه «ملی» باشد، «حزبی» است و مسیرها و سازوکارهای تهدیدگر و تحدیدزای آن‌ها انسداد یافته است. فقدان نهادینگی احزاب موجود و گرایش به نوعی استبداد ترویجی، نشانگر آنست که نزاع‌ها و کشاکش‌ها فقط جهت حصول منافع مطرح نمی‌شوند و اجماع ماهیتی کوتاه مدت دارد و در بلند مدت، می‌تواند تسویه حسابی عظیم بین احزاب، احزاب و جریانات در حاشیه و جامعه تونس و احزاب را پدید آورد.

نتیجه‌گیری

امروزه، پس از گذشت یک و نیم دهه از تحولات ۲۰۱۱، شاید تونس، تنها «بهار» در بین آنچه «بهار عربی» خوانده می‌شد، محسوب شود. هر چند که نمی‌توان انتظار داشت که یک تحول تمام توفیق‌ها را به دنبال داشته باشد، ولی اگر اکنون فضای سیاسی تونس مورد ارزیابی قرار گیرد، شاید دستاوردها چنان که باید، حاصل نشدند. پس از ۲۰۱۱، اجماع در تونس، تنها راه بقا و سازوکار زیستی احزاب سیاسی و اجتماعی مختلف در تونس بود و در عین حال، برای مقابله با حذف فیزیکی «دیگری» راه بهتری نیز وجود نداشت. ائتلاف‌ها در چهار دوره‌ی مهم توانست، اسلام‌گراها و سکولارها را در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و دو دوره‌ی ۲۰۱۹، گرد هم آورد. گام‌های مستحکم برای تحکیم دموکراسی و پاسداشت حقیقی «قانون اساسی» از سوی جریان دموکراتیک النهضه برداشته شد. در شرایطی که بسیاری از سکولارها، لیبرال‌ها و چپ‌ها، همانند دیگر جوامع عربی سبه و ویژه مصر و لیبی - انتظار نوعی راست‌گرایی و اقتدارگرایی را از النهضه داشتند، ولی واقعیت آنست که النهضه، سکولارترین، جریان در تفسیر قانون اساسی تونس بود و الغنوشی «اقتدارگرایی» و «تحدید» در قانون اساسی را همان رادیکالیسم می‌دانست.

در پژوهش حاضر، این پرسش مورد ارزیابی و واکاوی قرار گرفت که جریان‌های سیاسی تونس، بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ (آگوست) چه سازوکاری را طی کرده و اجماع‌ها و رقابت‌های سیاسی بین آن‌ها، چه نتایجی بر ماهیت دموکراسی، قانون اساسی و در ذیل آن اپوزیسیون - داشته است؟ در پاسخ این فرضیه مورد تحلیل قرار گرفت که، با وجود آنکه «اجماع» تنها راه اجتناب‌ناپذیر برای ادامه سیاست بین جریان‌های سیاسی در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ (هر دو دوره) بود، ولی به علت نوآمدگی چالش‌های جدید، دموکراسی شکننده، وضعیت در حال گذار جامعه تونس، عدم پای‌بندی به قواعد بازی دموکراتیک و قرائت حزبی از قانون اساسی، و پدیدار شدن اختلافات بنیادین بین جریان‌ها و عدم تلاش جدی برای حل آن‌ها در بین اجماع‌های صورت گرفته، هر یک از جریان‌ها، فقط برای رسیدن به قدرت خواهان «اجماع» بوده‌اند و با تشدید اختلافات، دولت قیس سعید ناگزیرانه، روندی اقتدارگرا را برای حفظ وضع موجود در پیش گرفت و ابهام سیاسی آینده تونس را در بر گرفت.

جریان النهضه، علیرغم تلاش‌ها برای بازگشت دموکراتیک سلفی‌ها به قدرت سیاسی، نتوانست با آن‌ها همسو شود. با حوادث تروریستی به ویژه در سال ۲۰۱۵ و ترور سکولارها و وحشت عمومی در تونس و فراتر از آن، تلاش برای تکرار قضیه دولت اسلامی در مرز تونس و لیبی، راهی برای النهضه باقی نماند و آن‌ها آخرین وصله‌های خود با هرگونه افراط‌گرایی را بردید. برخی از سلفی‌های سکوت‌گرا/علمی به النهضه پیوستند و جریان اصلی رادیکال؛ یعنی انصارالشریعه به رهبری ابوعیاض در پستوی جامعه و مرزهای تونس با دیگر کشورهای عربی، پنهان شد. قرائت سکولار النهضه از قانون اساسی بنیان‌های محکمی برای تکریم آن قرار داد، ولی با تحولات ۲۰۱۴ به بعد، وضعیت دگرگونه شد.



تا قبل از دور دوم انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۹، همه‌ی اجماع‌ها انتخابی ناگزیرانه برای حضور در قدرت سیاسی بود. با این وجود تحت تأثیر سه عامل حیاتی، اجماع‌ها روند دموکراتیکی را طی نکرد. نخست، هیچ‌یک از جریان‌ها در فردای پس از اجماع و پیروزی به دنبال ایجاد زمینه‌های مشترک ملی و «فراملی» برنیامد و این مهم نتوانست راهی به قانون اساسی نیز پیدا کند. در واقع، ائتلاف‌های پیروز بیش از آن‌که به منافع کلان بیندیشند به فکر منافع حزبی و سیاسی خود بودند و «قانون اساسی» را به نفع خود تفسیر می‌کردند و مجالی برای حضور اپوزیسیون‌ها و دیگر اقلیت‌ها - که پاشنه‌ی آشیل قانون اساسی است - برجای نگذاشتند. دوم، در سطحی کلان، همه‌ی جریان‌ها به میزانی بالایی تونس را در وضعیتی توسعه‌یافته مشاهده می‌کردند و غافل از آن بودند که این کشور در وضعیت گذار به دموکراسی قرار دارد و وضعیتی شکننده و آسیب‌پذیر دارد و نیازمند نرمش و انعطاف بیشتری است. در نتیجه، در فقدان اجرای قواعد بازی دموکراتیک از سوی جریان‌های مختلف، قانون اساسی بیش از هر دوره‌ای ضربه‌پذیر شد. تا آنجا که، در بین سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، بسیاری از شهروندان تونس، دیگر اعتقاد خود را به دموکراسی و قانون اساسی منتج از آن را از دست دادند و حکومت نظامی برای آن‌ها بهتر از بازی حزبی موجود بود.

سوم، عدم نهادینگی بسیاری از احزاب و ایجاد آنها صرفاً جهت پیروزی در انتخابات، منجر به فقدان «هزینه‌دادن» و ائتلاف انرژی از سوی آنها (به ویژه در جریان‌های لیبرال و چپ، به جز ندای تونس) شد. برای نمونه، فارغ از سیاست اقتدارگرا و غیردموکراتیک قیس سعید در قبال الغنوشی و جریان النهضه، هر چند پاره‌ای از رهبران آنها مواضع انتقادی در بین سال‌های ۲۰۲۱ تاکنون در پیش گرفتند، ولی این سیاست بیشتر نمایشی و تبلیغاتی بود. در واقع، جریان‌های رقیب النهضه، خواستار در تنگنا قراردادن آن از طریق دولت مستقل قیس سعید بودند و با اهمال و میانه‌روی، قیس سعید را گرداب «استبداد قانونی» قرار دادند.



نهایتاً آنکه، هیچ اپوزیسیونی در جامعه تونس نتوانست به طور حقیقی به وظایف خود عمل کند؛ چرا که مسیرهای قانونی نیز برای ایفای این نقش نیز بازتعریف نشد. علیرغم تلاش‌های اولیه قیس سعید برای بازگشت نوعی تعادل به جامعه و ایجاد زمینه‌ای برای مشارکت سیاسی همه‌ی جریان‌های موجود، روند اتخاذی از سوی وی به تدریج از اقتدارگرایی به استبداد ناگزیرانه کشیده شد. روند ۲۵ ژوئیه دولت وی، علیرغم عدم گرایش به فساد سیاسی و اقتصادی، در سطح قانونی، فرایندی غیردموکراتیک و برگشت‌ناپذیر را دنبال کرد. نتایج سیاست مذکور به گونه‌ای بود که سه قربانی بزرگ را تقدیم جامعه‌ی تونس کرد. نخست، عدم مجال اپوزیسیون‌های مختلف به واسطه‌ی ترس در فضای موجود. دوم، بی‌اعتمادی پایگاه‌های اجتماعی احزاب بزرگی چون النهضه و حتی ندا تونس به قواعد و سازوکارهای موجود و ترجیح آن‌ها به نوعی بازگشت و عدول از دموکراسی و قانون اساسی. سوم، قانون اساسی، که توسط قیس سعید به ابزاری برای برقراری قانون و نظم تبدیل شد، که بیش از هر چیز با مفاد و گزاره‌های اصلی آن در تضاد فاحش بود.

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام؛ صالحی، سیدجواد؛ ارغوانی پیرسلامی؛ فریبرز و حسنوند، مظفر (۱۴۰۳). «سلفی‌گری در تونس؛ زمینه‌های ظهور، جریان‌های اصلی و بازبینی آرای فکری و سیاسی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، بهار، دوره ۱۳، شماره ۱، صص: ۱۰۷-۱۳۸
۲. اخوان کاظمی، بهرام؛ صالحی، سیدجواد؛ ارغوانی پیرسلامی و حسنوند، مظفر (۱۴۰۲). «النهضه تونس؛ تحول دموکراتیک یا عدول از اسلام‌گرایی»، فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه، سال ۳۰، پیاپی (۱۱۳)، پاییز، صص: ۲-۳۵

۳. ادی، لاهوری (۱۳۹۹). *ملی‌گرایی رادیکال عرب و اسلام سیاسی*، ترجمه مهدی شاهین و مظفر حسنونند، چاپ دوم، خرم‌آباد، انتشارات دانشگاه لرستان.
۴. طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۹). *دیباچه‌ای بر نظریه‌ی انحطاط ایران*، چاپ هشتم، تهران، نشر نگاه معاصر.
۵. نولته، ارنست (۱۳۹۹). *اسلام‌گرایی؛ سومین جنبش مقاومت رادیکال*، ترجمه‌ی مهدی تدین، تهران، نشر ثالث.
۶. سلامه، یوسف عبدالرحمان (۲۰۱۶). «التجربة التونسية في التحول الديمقراطي بعد ثورة كانون اول / ۲۰۱۰»، الرسالة، جامعه النجاح الوطنیه، کلیه الدراسات العليا، نابلس، فلسطين، استعاده المحتوی: <https://scholar.najah.edu/sites/default/files/Abdelrahman%20Salameh.pdf>
۷. *العربیة بی‌بی‌سی* (۲۰۲۲). «تونس: هل يتغير موقف الشارع من قيس سعيد بعد إقالة عشرات»، ۲ يونيو، رقم الخبر: ۶۱۶۷۵۰۶۴، تاریخ منظر ۹ سبتمبر ۲۰۲۲، استعادة المحتوی: <https://www.bbc.com/arabic/interactivity-61675064>
۸. *العربیة یورونیوز* (۲۰۲۳). «الشعب يريد قضاء ولا عيب» .. اعتصام في تونس ضد إقالة قيس سعيد لعشرات القضاة»، ۱ جون، تاریخ منظر ۱۷ جون ۲۰۲۳، استعادة المحتوی: <https://arabic.euronews.com/2023/06/01/tunisia-judges-protest-against-interference-president-kais-saied-judiciary>
۹. خبرگزاری تسنیم (۳۰ آذر ۱۴۰۱). «پیامدهای مشارکت ضعیف در انتخابات تونس؛ اولین دموکراسی در جهان عرب به کجا می‌رود؟»، تاریخ مشاهده ۲۲ اریبهبشت ۱۴۰۲، بازیابی <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/09/30/2824817/%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%B4%D8%A7%D8%B1%DA%A9%D8%AA-%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D9%81-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D8%AA%D9%88%D9%86%D8%B3-%D8%A7%D9%88%D9%84%DB%8C%D9%86-%D8%AF%D9%85%D9%88%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86->

<https://fa.alalam.ir/news/6478108/%D8%B9%D8%B1%D8%A8-%D8%A8%D9%87-%DA%A9%D8%AC%D8%A7-%D9%85%DB%8C-%D8%B1%D9%88%D8%AF>

۱۰. شبکه العالم (۱۷ دسامبر ۲۰۲۲ الف). تحریم احزاب و گروه‌های سیاسی؛ سرنوشت

انتخابات پارلمانی در تونس چه خواهد شد؟ تاریخ مشاهده (۳ آگوست ۲۰۲۳)، در:

<https://fa.alalam.ir/news/6478108/%D8%AA%D8%AD%D8%B1%DB%8C%D9%85-%D8%A7%D8%AD%D8%B2%D8%A7%D8%A8-%D9%88-%DA%AF%D8%B1%D9%88%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C%D8%9B-%D8%B3%D8%B1%D9%86%D9%88%D8%B4%D8%AA-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D9%88%D9%86%D8%B3-%DA%86%D9%87>

۱۱. شبکه العالم (۱۷ دسامبر ۲۰۲۲ ب). آغاز انتخابات پارلمانی تونس در سایه تحریم و

عدم مشارکت احزاب اصلی، تاریخ مشاهده (۱۱ آگوست ۲۰۲۳)، در:

<https://fa.alalam.ir/news>

۱۲. شبکه العالم (۲ آگوست ۲۰۲۳). نخست وزیر تونس برکنار شد، تاریخ مشاهده (۹

آگوست ۲۰۲۳)، در:

<https://fa.alalam.ir/news/6674768/%D9%86%D8%AE%D8%B3%D8%AA-%D9%88%D8%B2%DB%8C%D8%B1-%D8%AA%D9%88%D9%86%D8%B3-%D8%A8%D8%B1%DA%A9%D9%86%D8%A7%D8%B1-%D8%B4%D8%AF>

۱۳. مرصد المجلس التونسيه (۱ سپتامبر ۲۰۲۳)، تاریخ مشاهده ۱ سپتامبر ۲۰۲۳، در:

<https://majles.marsad.tn/ar/assembly/blocs>

a. انگلیسی:

14. *Allafrica* (2 Aug 2023). Tunisia: President Saied Sacks First Female PM Najla Bouden”, Date of observation (06 Aug 2023), at: <https://allafrica.com/stories/202308030259.html>

15. Amara, T & Solomon, E. (2013). “Analysis: Tunisia eyes ‘Egypt scenario’ after assembly freeze,” *Reuters*, August 7, 2013, <https://www.reuters.com/article/us-tunisia->

crisis-government-analysis/analysis-tunisia-eyes-egypt-scenario-after-assembly-freeze-idUSBRE9760XK20130807.

6 Tunisian military officers admit they felt pressure to intervene by these protests and statements.

16. Badir, M. G. (1974). "Voltaire et l'islam." In *Studies on Voltaire and the Eighteenth Century*, vol. CXXV. Banbury, Oxfordshire: Cheney and Sons Ltd.
17. Ben Salem, M. (2018). "The Reconfiguration of Ennahdha's Recruitment Strategy in Tunisia", IN: *Islam and Politics in Post-2011 Tunisia* [Edi: A.Kadur Yildirim],(4. 30), *ISSUE BRIEF*, Center for the Middle East, Rice University Baker Institute for Public Policy, PP: 25-29.
18. Brownlee, J., T. Masoud, and A. Reynolds (2015). *The Arab Spring: Pathways of Repression and Reform*. Oxford University Press.
19. Fahmi, G & Meddeb, H. (2015). *Market for Jihad: Radicalization in Tunisia*, Carnegie Middle East Center, Carnegie Endowment for International Peace.
20. *France 24* (17 Apr 2023). "Tunisia closes offices of opposition party Ennahdha after arresting leader", Date of observation (01 Aug 2023), at: <https://www.france24.com/en/africa/20230417-ennahda-leader-ghannouchi-detained-by-tunisian-police-party-says>
21. Grewal, S & Hamid, S. (2020). "The Dark side of Consensus in Tunisia: Lessons from 2015-2019", *Foreign Policy*, at Brookings . at: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2020/01/FP_20200131_tunisia_consensus_grewal_hamid.pdf
22. Grewal, S & Hamid, S. (2018). "Tunisia Just Lost its Anchor of Stability: That's a Good Thing," *Foreign Policy*, October 12, at: <https://foreignpolicy.com/2018/10/12/tunisia-just-lost-its-anchor-of-stability-thats-a-good-thing/>
23. Grewal, S. (2023). *Soldiers of Democracy? Military Legacies and the Arab Spring*, Oxford University Press.
24. Grewal, S. (2020). "From Islamists to Muslim Democrats: The Case of Tunisia's

- Ennahda" May , *American Political Science Review*, Oxford University Press ,Vo.l. 114, No.2. pp: 519-535.
25. *Human Rights Watch* (2013). "Tunisia: Sweeping Political Exclusion Law," Human Rights Watch, June 15, at: <http://www.hrw.org/news/2013/06/15/tunisia-sweeping-political-exclusion-law>.
 26. Lewis, B. (2010). *Faith and Power: Religion and Politics in the Middle East*, Oxford University Press.
 27. Merone, F. (2013). "Salafism in Tunisia: An Interview with a Member of Ansar al-Sharia." *Jadaliyya*, April 11, 2013. <http://www.jadaliyya.com/pages/index/11166/salafism-in-tunisia-an-interview-with-a-member-of->.
 28. Merone, F. (2014). "Enduring Class Struggle in Tunisia: The Fight for Identity beyond Political Islam." *British Journal of Middle Eastern Studies* 42 (1): 74–87.
 29. Ounaies, A. (2015). "Building a Democratic State: The Case of Tunisia ", IN: *Crisis and New Agenda of the Arab States*, IEMed Mediterranean Yearbook 2015, pp: 31-36. At: <https://www.iemed.org/wp-content/uploads/2021/01/Building-a-Democratic-State-The-Case-of-Tunisia.pdf>
 30. Stepan, A. (2000). "Democracy, Religion, and the "Twin Tolerations". *Journal of Democracy* 11 (4),pp: 37–57
 31. *Tunis Afrique Presse* (10 September 2019). "Presidential polls: Hammami campaigns in Bizerte", Date of observation 20 Aug 2022.
 32. *Tunis Afrique Presse* (11 September 2019) "Presidential race: Neji Jalloul campaigns in Gafsa", Date of observation 22 Aug 2022.
 33. *Tunis Afrique Presse* (11 September 2019) "2019 Presidential campaign: Independent Hatem Boulabiar in Ariana", Date of observation 22 Aug 2022.
 34. *Tunis Afrique Presse* (12 September 2019). "2019 Presidential Race: Salma Elloumi inaugurates party premises in Beja", Date of observation 21 Aug 2022.
 35. *Tunis Afrique Presse* (12 September 2019). "2019 Presidential Race: Hamdi campaigns in El Kef", Date of observation 19 Aug 2022.

36. *Tunis Afrique Presse* (13 September 2019) "Court of Cassation rejects appeal filed by Nabil Karoui's defence lawyers", Date of observation 22 Aug 2022.
37. *Tunis Afrique Presse* (13 September 2019)"Presidential vote: Safi Saïd campaigns in El Hamma", Date of observation 20 Aug 2022.
38. *Tunis Afrique Presse* (13 September 2019). "2019 Presidential Polls: Rahoui campaigns in Manouba", Date of observation 22 Aug 2022.
39. *Tunis Afrique Presse* (13 September 2019). "2019 Presidential Race: Mehdi Jomaa campaigns in Sousse", Date of observation 21 Aug 2022.
40. *Tunis Afrique Presse* (13 September 2019)."2019 Presidential Polls: Zbidi in sfax for election campaign", Date of observation 18 Aug 2022.
41. *Tunis Afrique Presse* (13 September 2019)."2019 Presidential Race: Youssef Chahed ends his campaign in Manouba", Date of observation 19 Aug 2022.
42. *Tunis Afrique Presse* (13 September 2019)."2019 Presidential Race: Elyes Fakhfakh in Bab Souika for his campaign", Date of observation 18 Aug 2022.
43. *Tunis Afrique Presse* (13 September 2019)."Presidential Race 2019: Hammadi Jebali in Tataouine for electoral campaign", Date of observation 22 Aug 2022.
44. *Tunis Afrique Presse* (13 September 2019)."Presidential race: Abid Briki in Zarzis", Date of observation 18 Aug 2022.
45. Yerkes, S. (2018) "Too Strategic for the Base: How the Nidaa-Ennahdha Alliance Has Done More Harm Than Good", IN: *Islam and Politics in Post-2011 Tunisia* [Edi: A. Kadir Yildirim],(4. 25), ISSUE BRIEF, Center for the Middle East, Rice University Baker Institute for Public Policy, PP: 5-10.
46. Zouaghi, S & Cavatorta, F. (2018). "A Doomed Relationship: Ennahdha and Salafism", IN: *Islam and Politics in Post-2011 Tunisia* [Edi: A.Kadir Yildirim],(4/ 27), ISSUE BRIEF, Center for the Middle East, Rice University Baker Institute for Public Policy, PP: 17-24